



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

اصول مومنین

در کلام

الشیخ الاسلام

مهدی آقابابایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امیرالمومنین علیه السلام در کلام حضرت سیدالشهدا علیه السلام

نویسنده:

مهدی آقابائی

ناشر چاپی:

نورالحیات

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	امیرالمومنین علیه السلام در کلام حضرت سیدالشهدا علیه السلام
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۱	اهداء :
۱۲	فهرست
۱۵	مقدمه
۱۷	مبارزات حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) قبل از دوران امامت
۱۷	در جبهه های نبرد با ناکثین و قاسطین
۱۸	دوران امامت امام حسین (علیه السلام)
۱۸	اشاره
۲۰	۱: دشنام به امیرالمؤمنین (علیه السلام)
۲۲	۲: پنهان ساختن فضائل اهل بیت (علیهما السلام)
۲۲	۳: پرهیز از یاد کردن امام
۲۳	۴: برخورد با شیعیان
۲۴	۵: از بین بردن نیروهای متفکر
۲۴	اشاره
۲۴	الف: حُجر بن عُدی
۲۴	اشاره
۲۴	یادداشت امام حسین (علیه السلام)
۲۵	ب: عمرو بن حمق خزاعی
۲۶	ج: حضرمی و یارانش
۲۶	اشاره
۲۶	اعتراض امام حسین (علیه السلام)

۲۷	۶: ویران کردن خانه‌های شیعیان
۲۷	۷: محروم کردن شیعیان از بیت المال
۲۷	۸: بیعت با یزید (مخالفت با ولیعهدی یزید)
۲۸	۹: ضبط اموال مردم (بیت المال)
۲۹	امام حسین (علیه السلام) با معاویه بیعت نکرد
۲۹	سخنی با معاویه
۳۰	مبارزه امام حسین (علیه السلام) با مروان فرماندار معاویه در حجاز
۳۱	سخنرانی کوبنده و افشاگرانه در کنگره عظیم حج و بیان فضائل حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)
۳۲	بخش نامه های معاویه
۳۵	ایراد خطبه در متی توسط امام حسین (علیه السلام)
۳۵	اشاره
۳۷	۱: حدیث مواخاة
۳۷	۲: حدیث سد ابواب
۳۸	۳: حدیث غدیر
۳۹	۴: حدیث منزلت
۳۹	۵: حدیث میاهله
۴۰	۶: حدیث لوی خبیر
۴۰	۷: ابلاغ سوره براءت
۴۱	۸: علی (علیه السلام) صاحب اختیار هر مؤمن
۴۱	۹: سؤال و خلوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیر المؤمنین (علیه السلام)
۴۲	۱۰: علی (علیه السلام) بهترین اهل بیت علیهم السلام
۴۲	۱۱: سیادت پنج تن (علیهم السلام)
۴۳	۱۲: غسل پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دست علی (علیه السلام)
۴۳	۱۳: حدیث ثقلین
۴۴	۱۴: آیات و احادیث مربوط به اهل بیت (علیهم السلام)
۴۶	منابع و مأخذ

آثار دیگر مؤلف که به زیور طبع آراسته گردیده ۴۷

درباره مرکز ۴۹

امیرالمومنین علیه السلام در کلام حضرت سیدالشهدا علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: آقابابایی، مهدی، 1362 -

عنوان و نام پدیدآور: امیرالمومنین علیه السلام در کلام حضرت سیدالشهدا علیه السلام/مؤلف مهدی آقابابایی.

مشخصات نشر: اصفهان: نورالهیات، 1400.

مشخصات ظاهری: 38ص.؛ 22×14/5س م.

شابک: 150000 ریال 978-622-96734-9-2:

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. 38؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، 4 - 61ق.

موضوع: Hosayn ibn 'Ali, Imam III, 625-680

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق.

موضوع: 'Ali ibn abi-Talib, Imam I, 600-661

رده بندی کنگره: BP41/4

رده بندی دیویی: 297/953

شماره کتابشناسی ملی: 8704265

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فاپا

ص: 1

اشاره

امیرالمومنین علیه السلام در کلام حضرت سیدالشهدا علیه السلام

مؤلف مهدی آقابابایی

ص: 2

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3

اهداء :

به وجود مقدّس حضرت اميرالمؤمنين (عليه السلام)

و فرزند گراميشان

سالار شهيدان حضرت اباعبدالله الحسين (عليه السلام)

ص: 4

مبارزات حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) قبل از دوران امامت 9

در جبهه های نبرد با ناکثین و قاسطین.. 9

دوران امامت امام حسین (علیه السلام) 10

1: دشنام به امیرالمؤمنین (علیه السلام). 12

2: پنهان ساختن فضائل اهل بیت (علیهم السلام) 14

3: پرهیز از یاد کردن امام. 14

4: برخورد با شیعیان. 15

5: از بین بردن نیروهای متفکر. 16

الف: حُجر بن عُدی.. 16

یادداشت امام حسین (علیه السلام) (علیه

السلام) 16

ب: عمرو بن حمق خزاعی.. 17

ج: حضرمی و یارانش... 18

اعتراض امام حسین (علیه السلام) 18

6: ویران کردن خانه های شیعیان. 19

7: محروم کردن شیعیان از بیت المال. 19

8: بیعت با یزید (مخالفت با ولیعهدی یزید). 19

9: ضبط اموال مردم (بیت المال). 20

امام حسین (علیه السلام) (علیه

السلام) با معاویه بیعت نکرد. 21

سخنی با معاویه. 21

مبارزه امام حسین (علیه السلام) با مروان فرماندار معاویه در حجاز 22

ص: 5

سخنرانی کوبنده و افشاگرانه در کنگره عظیم حج و بیان فضائل حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) 23

بخش نامه های معاویه. 24

ایراد خطبه در منی توسط امام حسین (علیه السلام) 27

1: حدیث مواخاة. 29

2: حدیث سد ابواب.. 29

3: حدیث غدیر. 30

4: حدیث منزلت.. 31

5: حدیث مباحله. 31

6: حدیث لوای خیر. 32

7: ابلاغ سوره براءت.. 32

8: علی (علیه السلام) صاحب اختیار هر مؤمن.. 33

9: سؤال و خلوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیر المؤمنین (علیهما السلام) 33

10: علی (علیه السلام) بهترین اهل بیت (علیهم السلام) 34

11: سیادت پنج تن (علیهم السلام) 34

12: غسل پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دست علی (علیه السلام) 35

13: حدیث ثقلین.. 35

14: آیات و احادیث مربوط به اهل بیت (علیهم السلام) 36

منابع و مأخذ. 38

آثار دیگر مؤلف که به زیور طبع آراسته گردیده. 39

ص: 6

امام حسین (علیه السلام) مدت شش سال از دوران کودکی خود را در زمان جد بزرگوارش سپری کرد و پس از شهادت آن بزرگوار، مدت سی سال در کنار پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین (علیه السلام) زندگی کرد و در حوادث مهم دوران خلافت ایشان به صورت فعال شرکت داشت. پس از شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) (در سال 40 هجری) مدت ده سال در صحنه سیاسی و اجتماعی در کنار برادر بزرگ خود امام حسن (علیه السلام) قرار داشت و پس از شهادت برادر بزرگوارش (در سال 50 هجری) به مدت ده سال، در اوج قدرت معاویه بن ابی سفیان، بارها با وی پنجه در افکند و پس از مرگ وی نیز در برابر حکومت پسرش یزید قیام کرد و در محرم سال 61 هجری در سرزمین کربلا به شهادت رسید. در این مقاله که به مناسبت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت مولیالکونین، ابوالحسنین، سیدالعرب و العجم، امیرالمؤمنین (علیه السلام)، پیرامون مبارزات و دفاعیات حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) از پدر بزرگوارشان مطالبی که در تاریخ آمده است تا آنجا که ما توانستیم و بررسی کردیم را میآوریم باشد که مورد قبول حضرت علی (علیه السلام) واقع گردد.

این مقاله در فروردین ماه سال 1399 شمسی به مناسبت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت مولی الموحدین حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کتاب « امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کلام چهارده معصوم (علیهم السلام) » منتشر گردید و اکنون به صورت کتابی مستقل در اختیار محبین حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) قرار می گیرد.

مهدی آقابابایی

فاطمیه 1400

ص: 8

مبارزات حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) قبل از دوران امامت

حضرت امام حسین (علیه السلام) از دوران نوجوانی که شاهد انحراف دستگاه حکومت اسلامی از مسیر اصلی خود بود، از موضعگیری های سیاسی پدر خود پیروی و حمایت می کرد، چنانکه در زمان خلافت عمر بن خطاب، روزی وارد مسجد شد و دید عمر بر فراز منبر نشسته است، بادیدن این صحنه، بالای منبر رفت و به عمر گفت: از منبر پدرم پائین بیا و بالای منبر پدرت برو!

عمر که قافیه را باخته بود، گفت: پدرم منبر نداشت! آنگاه او را در کنار خود نشانید، و پس از آنکه از منبر پائین آمد، او را به منزل خود برد و پرسید: این سخن را چه کسی به تو یاد داده است؟

حضرت پاسخ داد: هیچ کس! (1)

در جبهه های نبرد با ناکثین و قاسطین

حضرت در دوران خلافت پدرش، امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کنار حضرت بود. او در هر سه جنگی که در این دوران برای پدر بزرگوارش پیش آمد، شرکت فعال داشت. (2)

ص: 9

-
- 1- . سیره پیشوایان، ص 144، به نقل از الاصابه، ج 1، ص 333.
 - 2- . الاصابه، ابن حجر عسقلانی، ج 1، ص 333.

در جنگ جمل فرماندهی جناح چپ سپاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عهده وی بود. در جنگ صفین، چه از راه سخنرانیهای پرشور و تشویق یاران حضرت علی (علیه السلام) جهت شرکت در جنگ، و چه از رهگذر پیکار با قاسطین نقشی فعال داشت. در جریان حکمیت نیز یکی از شهود این ماجرا از طرف حضرت علی (علیه السلام) بود. (1)

دوران امامت امام حسین (علیه السلام)

اشاره

در زمان امام حسین (علیه السلام) انحراف از اصول و موازین اسلام، که از «سقیفه» شروع شده و در زمان عثمان گسترش یافته بود، به اوج خود رسیده بود. در آن زمان معاویه که سالها از سوی خلیفه دوم و سوم به عنوان استاندار در منطقه شام حکومت کرده و موقعیت خود را کاملاً تثبیت کرده بود، به نام خلیفه مسلمین سرنوشت و مقدرات کشور اسلامی را در دست گرفته حزب ضد اسلامی اموی را بر امت اسلام مسلط ساخته بود و به کمک عمال ستمگر و یغماگر خود مانند: زیاد بن ابیه، عمرو بن عاص، سمره بن جندب و.... حکومت سلطنتی استبدادی تشکیل داده، چهره اسلام را وارونه ساخته بود.

ص: 10

معاویه از یک سو، سیاست فشار سیاسی و اقتصادی را در مورد مسلمانان آزاده و راستین اعمال می کرد و با کشتار و قتل و شکنجه و آزار، و تحمیل فقر و گرسنگی بر آنان، از هرگونه اعتراض و جنبش و مخالفت جلوگیری می کرد، و از سوی دیگر، با احیای تبعیض های نژادی و رقابت های قبیله ای در میان قبائل، آنان را به جان هم می انداخت و از این رهگذر نیروهای آنان را تضعیف می کرد تا خطری از ناحیه آنان متوجه حکومت وی نگردد، و از سوی سوم، به کمک عوامل مزدور خود با جعل حدیث و تفسیر و تأویل آیات قرآن به نفع خود، افکار عمومی را تخدیر زده، و به حکومت خودش وجهه مشروع و مقبول می بخشید.

این سیاست ضد اسلامی، به اضافه عوامل دیگری همچون ترویج فرقه های باطل نظیر: جبریه و مرجئه که از نظر عقیدتی با سیاست معاویه همسو بودند، آثار شوم و مرگباری در جامعه به وجود آورده و سکوت تلخ و ذلتباری را بر جامعه حکمفرما ساخته بود.

در اثر این سیاست شوم، شخصیت جامعه اسلامی مسخ و ارزشها دگرگون شده بود، به طوری که مسلمانان، با آنکه میدانستند اسلام هیچوقت اجازه نمیدهد آنان مطیع زمامداران بیدادگری باشند که به نام دین بر آنها حکومت میکنند، با این حال بر اثر ترس و ناآگاهی، از

زامداران ستمگر پشتیبانی می کردند. در اثر این سیاست، مسلمانان، بر خلاف منطق قرآن و تعالیم پیامبر (صلی الله علیه و آله)، تبدیل به افرادی ترسو، سازشکار، و ظاهر ساز گشته بودند.

ولی با این وضعیت با مطالعه تاریخ می بینیم که حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) در برابر بدعت ها و بیدادگریهای بیشمار معاویه نمی تواند سکوت نماید و تا آنجا که توان دارد، در برابر مظالم معاویه به مبارزه و مخالفت بر میخیزد که در اینجا به جنایات معاویه که بعضی از سیاستهای عوام فریبانه وی و فرعون مآبانه اش را در طی چهل سال حکومتش بر مسلمانان اشاره می کنیم و لازم به ذکر است که او برای طرح اجرای بعضی از این سیاستهای خود از مشاور حيله گر مکاری همچون عمرو عاص بهره می برد که در اغفال مردم از شیطان درس های بزرگی گرفته بود و همچنین به مبارزات حضرت امام حسین (علیه السلام) می پردازیم:

1: دشنام به امیرالمؤمنین (علیه السلام)

معاویه در دشمنی نسبت به حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) پیش رفت و دشنام و لعن آن حضرت را در مجالس عام و خاص، اعلام نمود و به همه عمال و والیانش دستور داد تا ناسزاگویی آن حضرت را در میان مردم انتشار دهند، دشنام به امام (علیه السلام) در همه مناطق جهان اسلام سرایت یافت.

معاویه خود در میان مردم شام به خطبه پرداخت و به آنها گفت: «ای مردم! رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من گفت: بعد از من، توبه خلافت خواهی رسید، پس سرزمین مقدس (شام) را انتخاب کن که صالحان در آنجا هستند و من شما را برگزیدم [العیاذبالله] پس ابوتراب را لعن کنید.

مردم شام هم به دشنام امام پرداختند. معاویه در میان آن وحشیان به خطبه پرداخت و به آنان گفت: «چه گمانی دارید در مورد مردی که - یعنی علی (علیه السلام) - که با برادرش عقیل نیکی نمیکنند! ای مردم شام! ابولهب نکوهش شده در قرآن، عموی علی بن ابیطالب است.

مورخان میگویند: هرگاه معاویه خطبه میخواند، خطبه خود را با این گفته به پایان میبرد: خداوندا! ابوتراب در دین تو الحاد ورزید! و از راه تو برگشته است، پس او را به سختی لعن کن و به عذابی دردناک گرفتار ساز».

این کلمات را بر روی منبرها میگفتند. معاویه با این کار میخواست که دلهای مردم را از امام (علیه السلام) دور سازد و میان مردم و اصول آن حضرت فاصله بیندازد؛ اصولی که حتی در کاخهای معاویه، وی را تعقیب می نمود.

هنگامی که معاویه «مغیره بن شعبه» را به امارت کوفه منصوب ساخت، مهمترین چیزی که به وی سفارش نمود این بود که در ناسزاگویی به

امام (علیه السلام)، رحمت فرستادن بر عثمان، عیب جویی یاران علی (علیه السلام) و دور ساختن آنها کوتاهی ننماید، مغیره بن شعبه، هفت سال والی کوفه بود در این مدت مذمت حضرت علی (علیه السلام) ناسزاگویی به آن حضرت را رها ننمود.

2: پنهان ساختن فضائل اهل بیت (علیهم السلام)

معاویه با همه توانایی هایش تلاش کرد تا فضائل اهل بیت (علیهم السلام) را پنهان سازد و بزرگواری های آنان را از دید مسلمین دور سازد و از انتشار آنچه از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در فضیلت آنها وارد شده بود ممانعت به عمل آورد. (1)

3: پرهیز از یاد کردن امام

حکومت اموی تا حد زیاد در ستیز با امیرالمؤمنین (علیه السلام) زیاده روی نمودند؛ زیرا دستور دادند تا هر نوزادی را که به نام «علی» نامیده شود به قتل برسانند.

مورخان میگویند: علما و محدثان، از یاد کردن امام و نقل روایت از آن حضرت به خاطر ترس از بنی امیه، پرهیز داشتند و هرگاه

ص: 14

1- زندگانی حضرت امام حسین (علیه السلام)، شریف قرشی، ج 2، ص 211.

می خواستند مطلبی را از آن حضرت روایت کنند، می گفتند: پدر زینب روایت کرد. (1)

4: برخورد با شیعیان

شیعیان در زمان معاویه در همه مناطق به طور رسمی مورد ستم واقع شدند و با شدت و خشونت فراوان رو به رو گشتند؛ زیرا معاویه، با قساوت از آنان انتقامی سخت گرفت و مرکز حکومتش را بر اجساد قربانیان آنان به پیش راند. چنانچه امام باقر (علیه السلام) نمونه‌های هولناکی از ستم امویان نسبت به شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) را بیان کرده و می فرماید: شیعیان ما در هر شهری کشته می‌شوند و دستها و پاهای آنان تنها به ظن و گمان بریده می‌شود، هر کس به دوستی و پیروی از ما یاد می‌شد، به زندان می‌افتاد و یا دارائش غارت می‌شد و یا خانهاش ویران می‌گشت. (2)

ص: 15

1- . زندگانی حضرت امام حسین (علیه السلام) ، شریف قرشی، ج 2، ص 214.

2- . همان، ص 216.

اشاره

معاویه، به نابودی نیروهای متفکر و اندیشمند شیعه پرداخت و گروهی از آنان را به میدانهای اعدام روانه ساخت و سوگ و اندوه را در خانههایشان حاکم ساخت که بعضی از آنان عبارتند از:

الف: حُجر بن عُدی

اشاره

حُجر وقتی دید در نظام حاکم، دشنام به امیرالمؤمنین (علیه السلام) را آشکارا اعلام می کند و مردم را به براءت از آن حضرت مجبور می سازد، زبان به اعتراض گشود و آشکارا به حاکمان کوفه پاسخ داد. زیاد بن ابیه خوشش را مباح اعلام نموده و او را همراه با گروهی از برادرانش به اسارت نزد معاویه فرستاد و آنان را در «مرج عذراء» متوقف ساختند تا اینکه فرمان اعدام آنها از دمشق صادر شد و آنها را به شهادت رساندند.

یادداشت امام حسین (علیه السلام)

امام حسین (علیه السلام) از دریافت خبر کشته شدن حجر، بسیار پریشان گشت و یادداشت شدیدالحنی برای معاویه فرستاد و در آن، جرایم و بدعت هایش را بر شمرد که از جمله کشتن حجر و یاران درستکار وی می باشد و در آن یادداشت آمده بود: «آیا تو قاتل حجر، برادر کنده و

نمازگزاران پارسایی که ظلم را نمیپسندیدند و بدعتها را گناهی بزرگ میدانستند و در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای نمیهراسیدند، نیستی... آنها را به ظلم و تعدی کشتی پس از آنکه سوگندهای سخت و پیمانهای مؤکد به آنها سپردی که آنان را به خاطر حادثهای که میان تو و آنان بوده و یا به کینه‌های که در دل نسبت به آنها داشتی، به کیفر نرسانی...»

ب: عمرو بن حمق خزاعی

امام حسین (علیه السلام) هنگام شنیدن خبر کشته شدن عمرو، به شدت متأثر گردید و یادداشتی برای معاویه فرستاد که در آن، جنایات وی را بر شمرد و ظلم و ستمی که امت در روزگار وی متحمل میشود را متذکر شد. در آن یادداشت در خصوص عمرو آمده بود: «آیا تو قاتل عمرو بن حمق، یار رسول خدا آن عبد صالحی که عبادت او را نحیف ساخته، بدنش را رنجور گشته و رنگش زرد شده بود، نیستی، بعد از آنکه به او امان داده و از عهد و پیمانهای خدا آن قدر به وی گفته بودی که اگر به پرندهای میگفتی، از بالای کوه به

ص: 17

نزد تو فرود می‌آمد، سپس او را با گستاخی بر پروردگار و ناچیز شمردن آن پیمان، به قتل رساندی...» (1).

ج: حضرمی و یارانش

اشاره

وقتی که حضرمی که از شیعیان خالص امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود با یارانش مظلومانه به شهادت رسیدند امام حسین (علیه السلام) از این خبر اندوهگین شدند با فرستادن یادداشتی بر معاویه اعتراض نمود.

اعتراض امام حسین (علیه السلام)

در آن یادداشت آمده بود: «آیا تو قاتل حضرمی نبوده‌ای که زیاد به تو نوشته بود وی بر دین علی (علیه السلام) است و توبه وی نوشتی: هر کس را بر دین علی باشد به قتل برسان. و زیاد آنان را کشت و به دستور تو آنان را تکه تکه نمود. در حالی که دین علی (علیه السلام)، همان دین عموزاده اش (صلی الله علیه و آله) می باشد که تو را در این جایگاهی که در آن هستی نشانده است و اگر او نمی بود، شرافت تو و پدران، تحمل سختی دو مسافرت می بود، سفر زمستان و سفر تابستان».

و دهها نمونه دیگر که توسط معاویه و عمالش به شهادت رسیدند که تاریخ پر از اینگونه جنایات اوست.

ص: 18

1- زندگانی حضرت امام حسین (علیه السلام)، شریف قرشی، ج 2، ص 222.

6: ویران کردن خانههای شیعیان

7: محروم کردن شیعیان از بیت المال

از فجایع اندوهباری که شیعیان در روزگار معاویه با آنها دست به گریبان بودند این بود که معاویه به همه عاملانش طی بخشنامه‌های چنین نوشته بود: «بنگرید هر کس را که دلیل بر او باشد مبنی بر اینکه وی علی و اهل بیته را دوست میدارد، نام او را از دیوان محو کنید و عطا و روزی او را ساقط نمایید.»

8: بیعت با یزید (مخالفت با ولیعهدی یزید)

معاویه به انواع وسایل ددمنشانه دست زد تا سلطنت را در خاندانش موروثی سازد. از جمله آزادگان و مصلحان جهان اسلام، که ردّ قاطع خود را در مورد بیعت یزید اعلام نمودند و او را به عنوان حاکم مسلمانان پذیرفتند حضرت امام حسین (علیه السلام) بود که یزید را حقیر شمرد و خویهای نکوهیده‌اش را نمیپسندید و او را به صاحب شراب و شکار، توصیف نمود و اینکه او به طاعت شیطان در آمده، طاعت رحمان را ترک نموده و فساد را ظاهر ساخته، حدود را تعطیل نموده و

ص: 19

به خود اختصاص داده، حرام خدا را حلال و حلال او را حرام گردانیده است.⁽¹⁾

9: ضبط اموال مردم (بیت المال)

کاروانی که از یمن که حامل مقداری از بیت المال بود، از طریق مدینه، رهسپار دمشق بود. امام حسین (علیه السلام) با اطلاع از این موضوع، آن را ضبط کرد و در میان مستمندان بنی هاشم و دیگران تقسیم کرد و نامهای بدین شرح به معاویه نوشت:

«کاروانی از یمن از اینجا عبور می کرد که حامل اموال و پارچهها و عطریاتی برای تو بود تا آنها را به خزانه دمشق سرازیر کنی و به خویشانت که تاکنون شکمها و جیبهای خود را از بیت المال پر کردهاند، ببخشی، من نیاز به آن اموال داشتم، و آنها را ضبط کردم، و السلام!» معاویه از این اقدام سخت ناراحت شد و نامه تندی به امام نوشت.⁽²⁾

بی شک این اقدام امام حسین (علیه السلام) یک گام آشکار در جهت نامشروع معرفی نمودن حکومت معاویه و مخالفت صریح با وی به

ص: 20

1- . زندگانی حضرت امام حسین (علیه السلام)، شریف قرشی، ج 2، ص 272.

2- . حياة الامام الحسين بن علي، شريف القرشي، ج 2، ص 231.

شمار میرفت، و در آن شرایط هیچ کس جز آن حضرت، جرأت چنین کاری را نداشت.

امام حسین (علیه السلام) با معاویه بیعت نکرد

ابن شهر آشوب روایت نموده: ... (بعد از صلح امام حسن (علیه السلام)) معاویه از امام حسین (علیه السلام) خواست تا با او بیعت کند. امام حسن (علیه السلام) فرمود: ای معاویه! حسین را مجبور نکن او هرگز بیعت نکند مگر آنکه کشته شود و هرگز کشته نشود مگر آنکه خاندانش کشته شوند و خاندانش کشته نشوند مگر آنکه شامیان کشته شوند. (1)

سخنی با معاویه

قاضی نورالله تستری می گوید: یک بار امام حسین (علیه السلام) در مجلس معاویه فرمود: «من فرزند آب آسمان و ریشههای خاک نمناکم، من فرزند کسی هستم که در بزرگواری برجسته، و در شرافت والا، و در نیک نام بر همه اهل دنیا سرور است. من فرزند کسی هستم که خشنودی او خشنودی خدای رحمان و خشم او خشم خدای رحمان است».

ص: 21

1- . بحارالانوار، ج 44، ص 57، فرهنگ سخنان امام حسین (علیه السلام)، ص 242، البته امام حسین (علیه السلام) به پیمان صلحی که بین امام حسن و معاویه نوشته شد احترام می گذاشت.

سپس رو به معاویه کرد و فرمود: آیا پدر تو، همچون پدر من است؟ آیا پیشینه تو همچون پیشینه من است؟ اگر بگویی: نه، شکست خوردهای و اگر بگویی آری، دروغ گفتهای. (1)

مبارزه امام حسین (علیه السلام) با مروان فرماندار معاویه در حجاز

ابن جوزی میگوید: محمد بن اسحاق گفته است: مروان بن حکم که فرماندار بود کسی را نزد امام حسن (و امام حسین (علیهما السلام)) فرستاد به او پیام دهد: مروان میگوید: پدر تو کسی است که در جامعه تفرقه انداخت و عثمان را کشت و علما و زهاد (خوارج) را نابود کرد.... امام حسین (علیه السلام) به نامه رسان فرمودند به مروان بگو: ای فرزند زن بدکاره که در بازار (ذی المجاز) مردم را به خود فرا میخواند و در بازار عکاظ، دارای پرچم (فاحشه گری) بود! ای فرزند آن مرد تبعیدی و نفرین شده رسول خدا (صلی الله علیه و آله) (2) اکنون خود و مادر و پدرت را بشناس. (3)

ص: 22

-
- 1- . امام حسین (علیه السلام)، وارث انبیا، ص 318 به نقل از: احقاق الحق، ج 11، ص 959.
 - 2- . حَکَم (پدر مروان) در کوچه های مدینه پشن سر پیامبر (صلی الله علیه و آله) راه میرفت و حضرت را مسخره می کرد و پیامبر او را نفرین کرده و از مدینه تبعید نمود.
 - 3- . امام حسین (علیه السلام) وارث انبیا، ص 320.

سخنرانی کوبنده و افشاگرانه در کنگره عظیم حج و بیان فضائل حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

سلیم بن قیس میگوید: (معاویه پس از احتجاج ابن عباس با او) از این تاریخ تصمیم گرفت فشار خود را بر شیعیان علی تشدید کند و آنان را بیش از پیش مورد شکنجه و آزار قرار دهد تا آنجا که مطمئن شود نامی از اهل بیت و کسی از پیروان آنان باقی نمانده است و در این گیر و دار مصیبت و گرفتاری اهل کوفه بیش از دیگران بود؛ زیرا شیعیان علی (علیه السلام) در کوفه بیش از سایر نقاط بودند و طبعاً فشار پسر ابوسفیان به این شهر بیش از نقاط دیگر بود؛ لذا فرمانداری و حکومت کوفه را به زیاد بن سمیه محول نمود و بصره را ضمیمه آن ساخت. زیاد هم در مقابل این محبت معاویه و لطف فوق العاده پسر ابوسفیان، در از بین بردن شیعیان کوتاهی روا نداشت و از هر گوشه و کنار و از زیر هر سنگ و کلوخی شیعیان علی (علیه السلام) را پیدا کرد به قتل رسانید، و در دل شیعیان علی (علیه السلام) ترس و وحشت عجیبی ایجاد کرد. دست و پای آنان را قطع می کرد و چشمانشان را از کاسه سر بیرون می آورد. در نتیجه این جنایات، شیعیان علی از عراق فرار کردند و به نقاط دوردست پناهنده شدند و عقیده خود را از مردم مخفی نمودند. خلاصه در کوفه از شیعیان معروف و سرشناس کسی باقی نماند.

سلیم بن قیس میگوید: پسر ابوسفیان به فرماندانش دستور داد که شهادت شیعین علی (علیه السلام) و خاندانش را قبول نکنند و مراقب باشد که اگر در محیط شان از شیعیان و طرفداران عثمان و خاندانش و از کسانی که فضایل و مناقب عثمان را نقل میکنند کسانی پیدا میشوند، در مجالس رسمی مورد احترام قرار بدهند و در اعزاز و اکرام آنان کوتاهی نکنند و آنچه از مناقب عثمان نقل می شود با مشخصات کامل ناقل آن حدیث به دربار معاویه در شام گزارش شود. فرمانداران طبق این دستور عمل نمودند و درباره هر کسی که جمله‌ای در فضیلت عثمان نقل مینمود پرونده‌ای تشکیل دادند و حقوق و مزایایی معین نمودند و این رویه سبب گردید که درباره عثمان مطالب زیادی نقل گردید؛ زیرا ناقلان اینگونه حدیثها از جایزه‌ها و عطیه‌های مخصوص معاویه برخوردار میشدند! در اثر این بذل و بخشش معاویه و تشویق حکام وی، جعل حدیث در تمام شهرهای اسلامی شیوع یافت و هر شخصی مبعوض و مطرود که نزد یکی از عمال و استانداران معاویه حدیث و فضیلتی درباره عثمان نقل مینمود بدون چون و چرا مقبول واقع می شد و اسم او در دفتر عطایا به ثبت میرسید و شفاعت او درباره دیگران رد نمیشد.

سلیم بن قیس چنین ادامه می دهد: معاویه پس از یک دوره نقل حدیث درباره عثمان، به استاندارانش چنین نوشت: حدیث درباره عثمان زیاد گردیده و به حد کافی به تمام نقاط مملکت رسیده. با رسیدن این بخشنامه مردم را دعوت کنید که درباره فضایل صحابه و دو خلیفه (عمر و ابوبکر) حدیث نقل کنند، و هر حدیث و فضیلتی که درباره «ابوتراب» نقل گردیده است حدیثی مشابه آن را درباره صحابهیاورید و این کار مورد علاقه و باعث روشنی چشم من و کوبیدن «ابوتراب» و شیعیان اوست. متن این نام برای مردم خوانده شد و مضمون آن در میان عموم افراد منتشر گردید، بلافاصله اخبار زیادی در مناقب صحابه که همهاش جعلی و عاری از حقیقت بود نقل گردید و عدهای در نقل چنین اخبار جدیت و کوشش فراوان به خرج دادند تا به جایی که ابن فضائل جعلی را در مناظر و در ضمن خطبه نمازها برای مردم خواندند و به مسلمانان دستور داده شد که آنها را به کودکان یاد بدهند و از این فضایل به مقدار زیاد به اطفال و نوباوگان تعلیم داده شد که مانند آیات قرآن در حفظ آنها کوشش کردند حتی به زنان و دختران و خدمتکاران هم این فضائل را یاد دادند و مدتی نیز به این منوال گذشت.

سلیم بن قیس باز میگوید: پس از گذشت مدتی معاویه به استانداران و عمالش سومین بخش نامه را بدین مضمون صادر کرد:

ص: 25

مراقب باشید که هر کس متهم به دوستی علی (علیه السلام) و خاندانش باشد و کوچکترین دلیل بر این اتهام پیدا شود اسم او از دیوان و دفتر حقوق و مزایا محو و سهمیه او از بیت المال قطع شود. و در تعقیب این بخشنامه، بخشنامه دیگری بدین مضمون صادر نمود: هر کسی را که متهم به دوستی خاندان علی (علیه السلام) باشد، تحت فشار شدید قرار بدهید و خانه را بر سرش خراب کنید تا برای دیگران نیز عبرت باشد.

سلیم بن قیس میگوید: اهل عراق مخصوصاً اهل کوفه مصیبتی بزرگتر از این حادثه ندیده‌اند؛ زیرا شیعیان علی (علیه السلام) در اثر این فرمان و سختگیریهای استانداران و حکمرانان در ترس و وحشت عجیبی به سر میبردند به طوری که گاهی دو نفر دوست از شیعیان علی (علیه السلام) به خانه همدیگر میرفتند، صاحبخانه از ترس غلام و خدمتکارانش حاضر نبود به مهمانش مطلبی بگوید مگر پس از قسم خوردن و پیمان گرفتن از خدمتکار که راز او را فاش نکند، بدین صورت حدیثهای جعلی در نکوهش علی (علیه السلام) و خاندانش پیدا شد و محدثان و قضات و فرمانداران از همان جعلیات پیروی کردند و بدترین مردم از نظر امتحان، محدثان ریاکار و سست عقیده بودند که تظاهر به ایمان و عبادت می کردند و به جهت تقرّب به حکام و نیل به ثروت و مال دنیا، جعل حدیث مینمودند تا اینکه به مرور زمان این خبرهای دروغ و

حدیثهای جعلی به دست افراد متدین و پرهیزکار افتاد که خود را از دروغ و بهتان پروا داشتند، اما با حُسن عقیده و سادگی همانجعلیات را قبول کردند و به دیگران نقل نمودند که اگر به بطلان و جعلی بودن آنها پی می بردند از نقل آنها اجتناب مینمودند. (1)

ایراد خطبه در منی توسط امام حسین (علیه السلام)

اشاره

سلیم بن قیس میگوید:

این فشار و اختناق همچنان ادامه داشت ولی پس از شهادت حسن بن علی (علیهما السلام) بیشتر و بلا و مصیبت بزرگتر گردید و اولیای خدا در ترس دائمی و رعب شدید قرار گرفتند، زیرا یا به قتل میرسیدند و یا در حالت خفا و دوری از شهر و دیار خویش به سر میبردند و در مقابل آنان دشمنان خدا از هر جهت پیروز و در اظهار ظلم و ستم و در اعمال بدعت، خود را آزاد میدیدند. سلیم اضافه میکند: در این اوضاع و احوال و دو سال قبل از هلاکت معاویه (2)

حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) عزم سفر حج کرد و عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر را همسفر خود انتخاب نمود و در مکه از مردان و زنان بنی هاشم و از گروه

ص: 27

1- کتاب سلیم بن قیس، ط دارالکتب الاسلامیه، ص 206.

2- در بعضی از نسخ آمده: یک سال قبل از هلاکت معاویه خطبه را ایراد نمودند.

انصار افرادی را که آن حضرت و بنی هاشم می شناختند دعوت به عمل آورد و به همه آنان مأموریت داد که از افراد ذی صلاح و متعهد از صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و از تابعین، برای شرکت در جلسه ای که قرار است در منی تشکیل شود دعوت کنند. چون مدعوین تعدادشان به هزار نفر (یا بیشتر) بالغ می گردید، در منی و زیر خیمه حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) گرد آمدند، حضرت سخن آغاز کرد و پس از حمد و ثنای خداوند چنین آغاز فرمود:

اما بعد! شما از جنایاتی که معاویه این جبار طاغیه بر ما و شیعیان ما روا داشته آگاهید و شاهد ستمگریهای او هستید، اینک من مطالبی را (درباره پدرم) مطرح میکنم که اگر درست بود تصدیق کنید و اگر نادرست بود از من نپذیرید، گفتار مرا بشنوید و سخنان مرا بنویسید و تذکرات مرا به خاطر بسپارید، آنگاه که به شهر و دیار خود مراجعت میکنید آنچه را که فرا گرفتهاید به اقوام و عشیره مورد وثوق و افراد مورد اعتماد از دوستان و آشنیان خود ابلاغ کنید؛ زیرا ترس آن دارم که این آیین مندرس گردد و این مذهب حق از بین برود. P وَ اللّٰهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (1) O

ص: 28

1: حدیث مواخاة

شما را به خدا آیا میدانید وقتی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در میان صحابه و یارانش پیمان «اخوت» میبست برای اخوت خویش، علی (علیه السلام) را انتخاب کند؟

گفتند: اللهم نعم. خدایا تو را گواه میگیریم که درست است.

2: حدیث سد ابواب

قَالَ أَنشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اشْتَرَى مَوْضِعَ مَسْجِدِهِ وَ مَنَازِلِهِ فَأَبْتَنَاهُ ثُمَّ ابْتَنَى فِيهِ عَشْرَةَ مَنَازِلَ تِسْعَةٌ لَهُ وَ جَعَلَ عَاشِرَهَا فِي وَسْطِهَا لِأَبِي ثُمَّ سَدَّ كُلَّ بَابٍ شَارِعٍ إِلَى الْمَسْجِدِ غَيْرَ بَابِهِ فَتَكَلَّمَ فِي ذَلِكَ مَنْ تَكَلَّمَ فَقَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَا أَنَا سَدَدْتُ أَبْوَابَكُمْ وَ فَتَحْتُ بَابَهُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِسَدِّ أَبْوَابِكُمْ وَ فَتَحَ بَابَهُ ثُمَّ نَهَى النَّاسَ أَنْ يَنَامُوا فِي الْمَسْجِدِ غَيْرِهِ وَ كَانَ يُجَنَّبُ فِي الْمَسْجِدِ وَ مَنَزَلُهُ فِي مَنَزِلِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَوُلِدَ لِرَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ لَهُ فِيهِ أَوْلَادٌ قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ. شما را به خدا میدانید آنگاه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) محل ساختمان مسجد و خانه خویش را خریداری و در کنار مسجد، ده حجره بنا کرد؛ نه باب از این حجرهها را به خود و حجره دهمی را که در وسط آنها قرار داشت به پدرم «علی» اختصاص داد سپس دستور داد درب

همه حجره‌های مردم را که به مسجد باز میشد ببندند مگر درب حجره علی (علیه السلام) را، و چون بعضی از صحابه در این مورد اعتراض کردند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: من این دستور را از پیش خود صادر نکردم، بلکه خدا چنین فرمانی به من داد، آنگاه مردم را از خوابیدن در مسجد منع نمود مگر علی (علیه السلام) را که حجره‌اش در داخل مسجد و در کنار حجره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قرار داشت و خداوند در همین منزلها فرزندان را به رسول خدا و علی (علیهما السلام) عطا نمود؟

گفتند: اللهم نعم. خدایا تو را گواه میگیریم که درست است.

3: حدیث غدیر

قَالَ أَنشَدُكُمْ اللَّهَ أَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) نَصَّبَ بِهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ فَنَادَى لَهُ بِالْوَلَايَةِ وَقَالَ لِيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

شما را به خدا! آیا میدانید که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) علی (علیه السلام) را در غدیر خم به مقام ولایت نصب کرد، سپس دستور داد که این جریان را حاضران به غائبان برسانند؟

گفتند: اللهم نعم. خدایا تو را گواه می گیریم که درست است.

4: حدیث منزلت

قَالَ أَنشُدْكُمْ اللَّهَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ لَهُ فِي غَزْوَةِ تَبُوكَ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى وَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

شما را به خدا آیا میدانید که سول خدا (صلی الله علیه و آله) به هنگام حرکت به سوی «جنگ تبوک» به علی (علیه السلام) فرمود: ای علی! تو نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی هستی. و همچنین فرمود: تو پس از من ولی و سرپرست همه مؤمنانی؟

گفتند: اللهم نعم؛ خدایا تو را گواه میگیریم که درست است.

5: حدیث مباحله

قَالَ أَنشُدْكُمْ اللَّهَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) حِينَ دَعَا النَّصَارَى مِنْ أَهْلِ نَجْرَانَ إِلَى الْمُبَاهَلَةِ لَمْ يَأْتِ إِلَّا بِهِ وَبِصَاحِبَتِهِ وَابْنَيْهِ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

فرمود: شما را به خدا قسم می دهم، آیا می دانید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) وقتی مسیحیان نجران را به مباحله دعوت کرد کسی جز او و همسرش و دو پسرش را نیاورد؟

گفتند: آری به خدا قسم.

6: حدیث لوای خیبر

قَالَ أَنشُدْكُمْ اللَّهَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّهُ دَفَعَ إِلَيْهِ اللَّوَاءَ يَوْمَ خَيْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَادْفَعُهُ إِلَيَّ رَجُلٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَيَحِبُّ اللَّهُ وَرَسُولَهُ كَرَاهٍ غَيْرُ فَرَارٍ يَفْتَحُهَا اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

فرمود: شما را به خدا قسم می‌دهم، آیا می‌دانید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در روز خیبر علم را به او سپرد و فرمود: «آن را به دست کسی خواهم سپرد که خدا و رسولش او را دوست دارند و او خدا و رسولش را دوست دارد. پشت سر هم حمله می‌کند و فرار نمی‌کند، و خداوند خیبر را به دست او فتح می‌کند».

گفتند: آری به خدا قسم.

7: ابلاغ سوره براءت

قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) بَعَثَهُ بِبَرَاءَةٍ وَقَالَ لَا- يُبَلِّغُ عَنِّي إِلَّا أَنَا أَوْ رَجُلٌ مِنِّي قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) لَمْ تَنْزِلْ بِهِ شِدَّةٌ قَطُّ إِلَّا قَدَمَهُ لَهَا ثِقَةٌ بِهِ وَ أَنَّهُ لَمْ يَدْعُهُ بِاسْمِهِ قَطُّ إِلَّا أَنْ يَقُولَ يَا أَخِي وَ ادْعُوا لِي أَخِي قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

فرمود: آیا می دانید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) او را برای ابلاغ سوره براءت فرستاد و فرمود: «از جانب من کسی جز خودم یا کسی که از من باشد نباید پیامی ابلاغ کند».

گفتند: آری به خدا قسم.

8: علی (علیه السلام) صاحب اختیار هر مؤمن

قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَضَى بَيْنَهُ وَبَيْنَ جَعْفَرٍ وَزَيْدٍ فَقَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ وَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ [وَأَمَّا الْمُؤْمِنَةُ] بَعْدِي قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

فرمود: آیا می دانید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بین او و جعفر و زید قضاوت کرد و فرمود: «یا علی! تو از من و من از توام. و تو صاحب اختیار هر مرد و زن مؤمنی بعد از من هستی».

گفتند: آری به خدا قسم.

9: سؤال و خلوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیر المؤمنین (علیه السلام)

قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّهُ كَانَتْ لَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) كُلَّ يَوْمٍ خَلْوَةٌ وَكُلَّ لَيْلَةٍ دَخْلَةٌ إِذَا سَأَلَهُ أَعْطَاهُ وَإِذَا سَكَتَ أَبْدَاهُ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

فرمود: آیا می دانید که او در هر روز با پیامبر (صلی الله علیه و آله) خلوتی و در هر شب حضوری داشت، که هر گاه مطلبی می پرسید پاسخ می فرمود و هر گاه سکوت می کرد خود آن حضرت شروع می فرمود.

گفتند: آری به خدا قسم.

10: علی (علیه السلام) بهترین اهل بیت علیهم السلام :

قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَضَّلَهُ عَلَى جَعْفَرٍ وَ حَمْزَةَ حِينَ قَالَ لِفَاطِمَةَ (عليهما السلام) زَوْجَتِكَ خَيْرَ أَهْلِ بَيْتِي أَقْدَمَهُمْ سِلْمًا وَأَعْظَمَهُمْ حِلْمًا وَأَكْثَرَهُمْ عِلْمًا قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ.

فرمود: آیا می دانید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) او را بر جعفر و حمزه فضیلت داد آن هنگام که به فاطمه (علیها السلام) فرمود: «تورا به بهترین اهل بیتم و مقدم ترین آنان در اسلام و بالاترین آنان در حلم و بیشترین آنها در علم تزویج نمودم»؟

گفتند: آری به خدا قسم.

11: سیادت پنج تن (علیهم السلام)

قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَ أَخِي عَلِيِّ سَيِّدِ الْعَرَبِ وَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ ابْنَايَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ.

ص: 34

فرمود: آیا می دانید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«من سید فرزندان آدم هستم، و برادرم علی سید عرب، و فاطمه سیده زنان اهل بهشت، و دو پسر من حسن و حسین دو سید جوانان اهل بهشت هستند»؟

گفتند: آری به خدا قسم.

12: غسل پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دست علی (علیه السلام)

قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَمَرَهُ بِغُسْلِهِ وَأَخْبَرَهُ أَنَّ جِبْرِئِيلَ يُعِينُهُ عَلَيْهِ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ .

فرمود: آیا می دانید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) او را دستور به غسلش داد و به او خبر داد که جبرئیل او را در غسل کمک می کند؟ گفتند: آری به خدا قسم.

13: حدیث ثقلین

قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ فِي آخِرِ خُطْبَةٍ خَطَبَهَا [إِيَّهَا النَّاسُ] إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ أَهْلَ بَيْتِي فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ . فرمود: آیا می دانید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آخرین خطابه ای که برای مردم ایراد کرد فرمود: «ای مردم! من در میان شما دو چیز گرانبها باقی

ص: 35

گذاشتم: کتاب خدا و اهل بیت. به این دو تمسک کنید تا گمراه نشوید».

گفتند: آری به خدا قسم.

14: آیات و احادیث مربوط به اهل بیت (علیهم السلام)

فَلَمْ يَدْعُ شَيْئًا أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام) خَاصَّةً وَفِي أَهْلِ بَيْتِهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَلَا عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ (صلى الله عليه وآله) إِلَّا نَاشِدَهُمْ فِيهِ فَيَقُولُ الصَّحَابَةُ اللَّهُمَّ نَعَمْ قَدْ سَمِعْنَا وَ يَقُولُ التَّابِعِيُّ اللَّهُمَّ قَدْ حَدَّثَنِيهِ مَنْ أَثَقَّ بِهِ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ.

سلیم بن قیس میگوید: حسین بن علی (علیهما السلام) غیر از اینها فضائل زیادی را که درباره علی و اهل بیت او (علیهما السلام) در قرآن نازل گردیده و یا از زبان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیده شده بود بر شمرد و از حضار مجلس (آنان که از صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودند) میگفتند: آری. به خدا سوگند! این را شنیده‌ایم و تابعین (آنانکه شخص رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را ندیده بودند) میگفتند: ما هم این فضیلت را از فلان صحابه مورد وثوق و اعتماد شنیده‌ایم. حسین بن علی (علیهما السلام) در پایان سخنانش، درباره فضائل امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: شما را به خدا بگویند این را هم شنیده‌اید که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس دوستی مرا ادعا کند در

حالی که با علی (علیه السلام) دشمنی دارد دروغ گفته است؛ زیرا دوستی من با دشمنی علی (علیه السلام) در یک دل می‌گنجد. در این هنگام شخصی سؤال کرد یا رسول الله! چگونه محبت تو با دشمنی علی (علیه السلام) نمیسازد؟

فرمود: زیرا علی (علیه السلام) از من و من از علی (علیه السلام) هستم هر که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته و هر که علی (علیه السلام) را دشمن بدارد با من دشمنی کرده و هر که با من دشمنی کند خدا را دشمن داشته است. (1) و نکته آخر اینکه امام حسین (علیه السلام) در وصیت خود به برادرشان محمد حنفیه فرمودند: «أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي» (2) و نکته مهم این است که امام حسین (علیه السلام) در کنار نام جدشان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مقید به بردن نام پدرشان امیرالمؤمنین (علیه السلام) هستند و این اشاره به فرمایش خود رسول خداست که فرمود: «وَلَوْلَا - أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي» (3)، یعنی اگر نام تو نباشد سیره مرا به نفع خودشان مغرضان تغییر می دهند.

ص: 37

1- . کتاب سلیم بن قیس ، ج 2، ص 790.

2- . بحار الانوار، ج 44، ص 329.

3- . اقبال بالاعمال الحسنه ، ج 1، ص 507.

اقبال بالاعمال الحسنه، ابن طاووس، علی بن موسی، ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، 1376 ش.

امام حسین (علیه السلام) وارث انبیاء، مجلسی کوپایی، غلامحسین، ناشر: مؤلف، چاپ اول، 1397 ش.

زندگانی حضرت امام حسین (علیه السلام)، القرشی، باقر شریف، مترجم: محفوظی حسین، نشر: بنیاد معارف اسلامی، قم، مرکز نشر، 1380 ش.

سیره پیشوایان، پیشوایی، مهدی، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، قم، چاپ پانزدهم، پائیز 1382 ش.

کتاب سلیم بن قیس، هلالی، سلیم بن قیس، ناشر: الهادی، قم، چاپ اول، 1405 ق.

آثار دیگر مؤلف که به زیور طبع آراسته گردیده

- 1: رازهای نهفته در شطرنج
- 2: خورشید مهربانی
- 3: تحقیق و پژوهش در کلام مقام معظم رهبری (دام ظلّه)
- 4: فیض ماندگار؛ شرح زندگانی و شاگردان و اساتید آیت الله فیاض (قدس سره)
- 5: شمع سوزان خرابه شام. (سید مجید نبوی، مهدی آقابابایی)
- 6: ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ (سه سخنرانی از مرحوم آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره))
- 7: عبد رحمان، زندگینامه و خاطراتی از سردار شهید عبدالرحمان کرمی
- 8: تربیت فرزند از دیدگاه حضرت زهرا (علیها السلام)
- 9: نور هفتم (میلااد مبارک امام هفتم (علیه السلام) در ماه ذی الحجّه)
- 10: آسمانی های خاکی، بر اساس زندگی برادران شهید عبدالرحمان و محمدرضا کرمی هرستانی
- 11: آسمانیهای خاکی، بر اساس زندگی شهید مصطفی نصرافهانی
- 12: تحریف تاریخی تحلیلی پیرامون امالمؤمنین حضرت خدیجه کبری (علیها السلام)
- 13: سخنان ناب بزرگان درباره تحقیق، پژوهش، نگارش و قلم
- 14: عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی (از آثار آیت الله طیب (قدس سره))

15 : دانستیهای علمی پیرامون قاعدگی، همجنسگرایی، همجنس بازی و استمناء

16 : کتابشناسی زیارت عاشورا

17 : تحریفات و تصحیفات پیرامون زیارت عاشورا

18 : رازهای نهان در موسیقی (جوان و موسیقی)

19 : کتابشناسی حضرت رقیه سلام الله علیها

20 : زیارت جوادیه (یا زیارت چهارم امام رضا(علیه السلام))

21 : انواع عزاداری در سیره اهل بیت: در روایات (70 نوع عزاداری).

22 : روزه داری و کرونا ویروس .

23 . حضرت رباب (علیها السلام) ، الگوی صبر و وفا

24 . ردای سرخ ، شناختنامه شهدای مدرسه علمیه امام صادق (علیه السلام) اصفهان (چهارباغ) ، شرح مختصری از زندگانی و وصایا

145 شهید مدرسه) ، با همکاری گروه تحقیق و پژوهش مدرسه.

25 . امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کلام سیدالشهدا (علیه السلام) (کتاب حاضر) .

26 . جایگاه قرض الحسنه در اندیشه اسلامی و راه کارهای احیاء آن در جامعه

تمامی آثار و اپلیکیشن مؤلف کمترین را در وب سایت قائمیه (www.ghbook.ir) مطالعه و به صورت رایگان دانلود نمایید.

اللهم عجل لولیک الفرج

ص: 40

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

